

ظرفیت سنجی پژوهش های مهدوی با رویکرد تطورشناسی و آسیب شناسی*

حسین الهی نژاد^۱

چکیده

مهدویت پژوهی به عنوان حوزه مطالعاتی در بستر تاریخ دچار فراز و فرود مختلف اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی شده است. جهت بررسی و تحلیل این فراز و فرود تاریخی که در قالب فرصت ها و چالش ها خودنمایی می کند نیاز به در افکندن بحث تطورشناسی و آسیب شناسی در قالب طرح ظرفیت سنجی مهدویت پژوهی می باشد. گرچه در حوزه ظرفیت سنجی مهدویت پژوهی حوزه های مختلفی نظیر ظرفیت سنجی آموزشی مهدویت پژوهی و ظرفیت سنجی پژوهشی مهدویت پژوهی و ظرفیت سنجی فرهنگی مهدویت پژوهی و... مطرح است ولی در این نوشتار تنها به ظرفیت سنجی پژوهش های مهدوی با رویکرد تطورشناسی و آسیب شناسی پرداخته می شود و نیز گرچه در حوزه مهدویت پژوهی خاستگاه و عزیمت های مختلف اجتماعی-تاریخی مطرح است ولی در این جا تنها به دو عزیمت مهم اجتماعی-تاریخی یعنی «عصر حضور ائمه تا پایان غیبت صغرا» و «غیبت کبرتا تا پایان قرن سیزدهم، مصادف با آغاز هجرت میرزای شیرازی» توجه می شود و هم چنین با دو دلیل می توان ضروری بودن این بحث را مستندسازی نمود: ۱. راست آزمائی و واقع نمائی مسائل مهدویت پژوهی، متفرع بر طرح ظرفیت سنجی مهدویت پژوهی است؛ ۲. تطورشناسی و آسیب شناسی مهدویت پژوهی مبتنی بر ظرفیت سنجی مهدویت پژوهی است. بر این اساس در این نوشتار ابتدا به ظرفیت شناسی پژوهش های مهدوی در قالب تطورشناسی و بعد به کیفیت شناسی پژوهش های مهدوی در قالب آسیب شناسی مبادرت می شود.

واژگان کلیدی

مهدویت پژوهی، ظرفیت سنجی، تطورشناسی، آسیب شناسی، پژوهش های مهدوی.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۹

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (hosainelahi1212@gmail.com).

مطالعات پیرامون منجی‌گرایی که به شکل منجی‌پژوهی خودنمایی می‌کند از دیرباز در میان جوامع بشری رواج داشته است در اسلام در قالب مطالعات مهدوی و مهدویت‌پژوهی، و در جهان قبل از اسلام در قالب منجی‌گرایی و منجی‌پژوهی که از فطرت و وجدان بنی بشر برمی‌خیزد مطرح است. سابقه دیرینگی منجی‌پژوهی به قدمت تاریخ حیات بشری باز می‌گردد و در همه ادیان اعم از ادیان الهی و غیر الهی، ادیان آسمانی و غیر آسمانی، و ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی مطرح بوده و خواهد بود. فراگیری و گستردگی منجی‌گرایی، و تداوم و استمرار زمانی آن نشان از قدسی و فطری بودنش دارد. بی‌تردید هر وقت باور و عقیده‌ای از جایگاه اصلی و فضای پاک قدسی فروکاسته شده و در مسیر تفکر و اندیشه‌ورزی بشر قرار می‌گیرد، دچار آسیب‌ها و چالش‌های معرفتی، کارکردی و کاربردی شده و از جایگاه و موقعیت والای خویش تنزل پیدا می‌کند برای جلوگیری از این فروکاستگی و تنزل قدسی و آسمانی و برای صیانت از شأن و جایگاه اعتقادی و اجتماعی، لازم است با نگرش تطوری و تحولی به شناسائی آسیب‌ها و چالش‌ها پرداخته و با نگرش اصلاحی و ترمیمی به آسیب‌شناسی و پالایش آنها مبادرت شود. حوزه منجی‌گرایی و مهدویت‌پژوهی از جمله حوزه‌های دینی و اعتقادی است که بعد از اندیشه‌ورزی و تفکر بشری دچار یکسری آسیب‌ها و آفت‌های معرفتی، کاربردی و کارکردی با رویکرد پژوهشی گردیده که نیاز به آسیب‌شناسی و پالایش‌گری دارد تا علاوه بر حفظ جایگاه و موقعیت اجتماعی، اثربخشی و کارکرد آن در میان باورمندان تضمین شود.

اصطلاح آسیب‌شناسی به عنوان یک اصطلاح جدید به مطالعه علمی آسیب‌ها و آفت‌های یک حوزه و نیز به چگونگی مبارزه و مقابله با آنها می‌پردازد و با ارائه راهکارهای علمی و کاربردی، علاوه بر درمان بافت‌های آسیب‌پذیر با رویکرد پیش‌دستانه می‌توان به بیان علل و عوامل پیشگیرانه مبادرت می‌ورزد و در همه حوزه‌ها ورشته‌های علوم اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی به کار گرفته شده و به تبع آن در ادبیات دینی نیز مورد توجه عالمان و اندیشمندان دینی قرار گرفته است.

مقوله‌طور که جمع آن تطورات است به معنای طورها و حالات گوناگونی است که بر اشیای غیر بسیط عارض می‌شود و بستر شکل‌گیری آن تاریخ، و فراز و فرود تاریخی بوده و

شامل حال همه اشیاء اعم از ذوات، علوم، اجسام و... می‌شود. تطوّر و تطورات مهدویت پژوهی با رویکرد پژوهشی به معنای حالات و مراحل مختلفی است که در طول تاریخ بر حوزه مطالعاتی مهدویت پژوهی نظیر حوزه پژوهش گذشته است.

اهمیت و ضرورت بحث

تمامی حقایق، مفاهیم و حوزه‌های مطالعاتی در طول تاریخ با رویکرد تطوّر هنجامی که در مسیر فهم بشری قرار می‌گیرند دچار آسیب‌ها و چالش‌هایی می‌شوند. محدودیت‌های شناختی، تأثیر حب و بغض‌های بشری در فهم مطالب و در نهایت منافع طلبی و بهره‌برداری‌های خودخواهانه انسان از حقایق، در کنار عناصر بیرونی نظیر تحرکات و اقدامات دشمن، عواملی هستند که موجب می‌گردند تا مفاهیم، حقایق و حوزه‌های مطالعاتی دچار آسیب شده و نقش کاربردی و کارکردی اولیه خویش را از دست بدهند. حوزه مهدویت پژوهی به عنوان یک حوزه مستقل مطالعاتی، نیز از این قاعده و قانون مستثنی نبوده و فرایند تاریخی و تطورات زمانی شاهد و دلیل این مدعا است. بی‌تردید زمانی می‌توان به کاربرد و کارکرد اصیل یک حوزه اذعان و یقین نمود که آفت‌های محیطی و پیرامونی آن را با رویکرد توصیفی شناسایی کرده و با نگاه پیش‌دستانه به دفع و رفع آنها با راهکار توصیه‌ای و هنجاری اقدام شود از این رو می‌طلبد متخصصان و اندیشمندان مهدوی با رویکرد تطوّرشناسی به آسیب‌شناسی مهدویت پژوهی پرداخته و با نگرش تحلیلی و تبیینی، پیرامون اختلال‌ها و آسیب‌های معطوف به عرصه مهدویت پژوهی و مسائل مهم آن دست به پژوهش و تحقیق بزنند.

مفهوم‌شناسی وارثان

۱. مفهوم آسیب

آسیب به معنای صدمه، ضربه، مشقت، آفت، مصیبت، بلا، ضرر و الم (دهخدا، بی‌تا: ج ۲، ۱۱۲)، زیان، خسارت، زخم، عیب، رنج می‌باشد (معین، ۱۳۶۴: ج ۱، ۵۸). آسیب، عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده‌ها می‌شود.

البته آسیب یک تعریف جامع که مورد قبول همگان قرار گیرد ندارد زیرا براساس زمان، مکان، موقعیت اجتماعی، فرهنگ، مذهب و دین حتی در نگرش‌های مختلف،

گوناگون می‌شود. براین اساس در معنای واژه آسیب نسبیت خوابیده است و از این رو زیان و ضرر داشتن یک امری به حسب فرهنگ، مذهب، دین، زمان و مکان مختلف می‌شود.

۲. چیستی آسیب‌شناسی

آسیب‌شناسی از اصطلاحات پرکاربرد در حوزه علوم پایه و شاخه‌ای از علم پزشکی است با عبارت پاتولوژی (انوری، ۱۳۸۱: ج ۱، ۲۹۴) و کاربرد آن در حوزه علوم انسانی با همان مفهومی است که در علوم پایه به کار می‌رود. محقق دنبال شناخت بی‌نظمی‌ها و کجروی‌های سیستمی و ریشه‌یابی علل، عوامل و دلایل آن است.

اصطلاح آسیب‌شناسی در همه رشته‌های علوم اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی به کار گرفته شده و به تبع آن در ادبیات دینی نیز بیش از یک سده است که مورد توجه اصلاح‌طلبان مسلمان قرار گرفته است (اسفندیاری، ۱۳۹۰: ۷) براساس تعریف فرهنگ پیشرفته آکسفورد، آسیب‌شناسی، مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات است. آسیب‌شناسی، موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن یک ارگانیسم از عملکرد صحیح و یا مناسب منع شده است (هورنای، ۱۳۸۲: ۹۲۸).

۳. مفهوم تطور و تدور

تطور از ماد «طور» به معنای واحد و مره است و جمع آن «اطوار» می‌باشد و در حالت و هیئت اشیاء پیاده‌سازی شده و در امتداد اشیاء اعم از زمانی و مکانی قرار می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۸۶: ج ۷، ۱۳۳) به معنای اصناف نیز آمده است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۵، ۱۲۰) چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (نوح: ۱۴) تطورات و اطوار که جمع طور است به معنای حالات مختلف، تارات، حدود و واحدها می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۴، ۵۰) و به معنی گونه‌گون، دیگرگون و حال به حال شدن است (معین، ۱۳۶۴: ج ۲، ۲۳۲) و به معنای تنوع و قسم قسم بودن (دهخدا، بی‌تا: ج ۵، ۱۲۶) واژه قریب به کلمه تطور، واژه «تدور» است که از ماده «دور» برمی‌خیزد و جمع آن ادوار است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۴، ۲۹۷) دور به معنای روزگار (فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۸، ۵۶) و به معنای محل و خانه و بناء و موضع (همان: ۲۹۸) و برگشت، دور زدن، دوره (همان: ۲۹۷) می‌باشد. دور و طور بدون متعلق مطلق می‌باشند و با پسوند متعلق مقید می‌شوند نظیر ادوار تاریخی،

ادوار اجتماعی و... و نظیر اطوار کلامی، اطوار فلسفی.

وضعیت سنجی مهدویت پژوهی در حوزه پژوهش

حوزه پژوهش همان حوزه نوشتاری است که به صورت نوشته جات و مکتوبات خودنمائی می‌کند. مکتوبات و نوشته جات حوزه پژوهش بیشتر در قالب عرصه‌هایی نظیر کتب، مجلات، پایان‌نامه‌ها، مقالات، جزوه‌های تحقیقاتی و... بازنمائی می‌شود. حوزه مهدویت پژوهی با رویکرد پژوهشی در طول تاریخ دارای فراز و فرود گوناگونی بوده که این فراز و فرود تاریخی به دو صورت کمی و کیفی قابل ارائه است. در برخی از برهه‌ها مکتوبات مهدوی رو به فزونی نهاده و کتاب‌ها و رساله‌های گوناگونی به زیور چاپ و نشر آراسته شده و در برخی مقاطع مکتوبات مهدوی فروکاسته شده و آثار و نوشته جات محدودی به چاپ رسیده است. براساس داده‌های تاریخی اولین مکتوبات دینی در میان باورمندان شیعه در قالب اصول اربعه مأه نمایان شده که در میان آنها اولین اصل، اصل (کتاب) سلیم بن قیس می‌باشد (احمد صدر، ۱۳۷۵: ج ۲، ۲۴۲؛ امین، ۱۴۰۳: ج ۷، ۲۹۳) که در آن تعدادی از روایات متعلق به مهدویت است. سید محسن امین در کتاب *اعیان الشیعه* مجموع مولفات دینی از اصحاب ائمه و علمای شیعه در عصر حضور امامان علیهم‌السلام از زمان امام علی علیه‌السلام تا زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام را بیش از ۶۶۰۰ عدد می‌داند (امین، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۴۰) که کتاب اصول اربعه مأه از جمله آنها است. شایان ذکر است با این که کتاب‌های بسیاری در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام از ناحیه اصحاب آنها با عنوان *الغیبه*، *الملاحم*، *القائم* و *الرجعه* تألیف شده و نام‌های آنها در کتاب *اعیان الشیعه* مطرح گردیده با این حال صاحب کتاب *اعیان الشیعه* در بیان طبقه‌بندی مکتوبات و تألیفات مرتبط با آنها طبقه‌ای به عنوان طبقه مهدویت باز نکرده است. به عنوان مثال در طرح طبقات مکتوبات به بیان طبقه مولفات فلسفه، منطق، اخلاق، زهد، تقوی، ادب، مواعظ، لغت، بدیع، شعرو... پرداخته ولی بحث مهدویت که دارای کتاب‌های بی‌شماری است، باب مستقلی برای آن باز نکرده است (همان: ۱۶۰).

در طول تاریخ در برخی از مقاطع به جهت رخداد حادثه مهم، مهدویت بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفته و اندیشمندان اسلامی در آن برهه بیشتر دست به سیاهه و نوشتن مهدویت و آموزه‌های مهدوی زده‌اند مثلاً بعد از رخداد پدیده غیبت اعم از غیبت صغرا و

کبرا و شوکی که از ناحیه رخداد آنها متوجه شیعیان شده، علما و اندیشمندان شیعه دست به کار شده و با روشنگری و تبیین مهدویت، ابهامات و نگرانی‌ها را از میان مردم برطرف نموده و در این خصوص کتاب‌های مختلفی تدوین نموده‌اند. این فرایند با عبور از فراز و فرود تاریخی به منتهی الیه قرن سیزدهم که مقارن با هجرت میرزای بزرگ شیرازی به سامرا می‌باشد رسیده است که در این برهه زمانی میرزای بزرگ شیرازی به عنوان مرجع تقلید شیعیان با همراهی اصحاب و شاگردانش به شهر سامرا زادگاه و موطن امام زمان علیه السلام، هجرت می‌نمایند که با این هجرت زمینه توجهات و مطالبات مردمی را نسبت به مقوله مهدویت بیشتر شده و در پی این شدت درخواستی و مطالبات مردمی، اندیشه مهدوی بیشتر مورد پژوهش و تحقیقات اندیشمندان اسلامی و شیعی قرار گرفته و بیشتر به زیور چاپ و نشر آراسته شده است. و باز از این دست رخدادها و حوادث اجتماعی که به نوعی زمینه ساز اقبال و توجهات ویژه مردمی به اندیشه مهدویت شده وقوع انقلاب اسلامی ایران است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان حادثه مهم اجتماعی که در مقطع زمانی قرن چهاردهم شمسی که مقارن با قرن پازدهم قمری می‌باشد به رهبری امام خمینی علیه السلام به عنوان نایب عام امام زمان علیه السلام به وقوع پیوسته که با این رخداد توجهات مردمی نسبت به اندیشه مهدویت شدت پیدا کرده و در راستای این مطالبات و خواسته‌های مردمی، منشورات و مطبوعات مهدویت در جامعه نیز رو به فزونی نهاده است.

پژوهش‌های مهدوی در دوره‌های چهارگانه تاریخی

براساس داده‌های تاریخی اندیشه مهدویت در فرایند تاریخی دچار فراز و فرود مختلفی از نظر اعتقادی، دینی، فرهنگی و سیاسی با نگرش کارکردی و کاربردی شده است این فراز و فرود اجتماعی مهدوی باعث شده تا رابطه و تعاملی که مردم با اندیشه مهدویت دارند متفاوت و گوناگون شود. مثلاً در یکی از برهه‌های تاریخی (در سده سوم قمری) به خاطر برخی عوامل اجتماعی و مردمی، امام زمان علیه السلام زندگی عادی را رها کرده و پنهان‌زیستی موقتی به نام غیبت صغرا را برگزیده است و در برهه دیگر (در سده چهارم قمری) به خاطر برخی عوامل از پنهان‌زیستی موقت و ناقص هم جدا شده و غیبت طولانی و کامل (به نام غیبت کبرا) را تجربه می‌نماید رخداد این دو حادثه دارای فواید و

مضراتی است که دامنگیر جامعه می‌شود مضرات همان محرومیتی است که از ناحیه فقدان و غیبت امام بر جامعه مستولی می‌شود و فواید همان تغییراتی است که در پی نگرش و نگاه نومردم نسبت به مهدویت حاصل می‌شود. در فضای غیبت کبرا حرکت‌های و نهضت‌های مختلفی به وقوع پیوسته که موجبات تغییرات نگرش در مردم نسبت به مهدویت شده است مثلاً در برهه تاریخی سده سیزده قمری هجرت یکی از عالمان برجسته شیعه به نام میرزای بزرگ شیرازی را داریم که از نجف به موطن زندگی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش به نام سامرا کوچ کرده و موجبات تغییرات در نگرش دینی مردم را نسبت به اندیشه مهدویت شده است و باز در این فرایند در سده پانزده قمری مصادف با سده چهارده شمسی، نهضت عظیم شیعی به رهبری امام خمینی رحمه‌الله در جامعه ایران را داریم که امام خمینی رحمه‌الله با این حرکت به عنوان نایب عام امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش نگرش مردم را نسبت به اندیشه مهدویت، تغییرات جدی داده و اندیشه مهدویت را در جامعه شیعه در صدر مباحث دینی قرار داده و زمینه پویائی و بالندگی آن را فراهم می‌نماید.

پژوهش‌ها و مکتوبات مهدوی را با رویکرد تطوّرشناسی و آسیب‌شناسی می‌توان در مقاطع چهارگانه تاریخی مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

۱. زمان حضور ائمه تا غیبت صغرا؛

۲. زمان غیبت کبرا تا قرن سیزدهم قمری؛

۳. قرن چهاردهم قمری، مصادف با هجرت میرزای شیرازی به سامرا؛

۴. ابتدای قرن پانزدهم قمری مصادف با نهضت امام خمینی رحمه‌الله.

که این مقاطع چهارگانه برای مهدویت نقطه عزیمت بوده و رشد و تعالی اندیشه مهدویت با این حوادث تاریخی رقم خورده است و مکتوبات و نوشته‌جاتی که در این مقاطع چهارگانه به رشته تحریر درآمده از نظر کمی و کیفی متفاوت و سیر صعودی را پیموده است. بی‌شک در این جا به جهت محدودیت حجم مقاله تنها به دو مقطع اول با عناوینی چون «تطوّرشناسی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های مهدوی در زمان حضور ائمه تا پایان غیبت صغرا» و «تطوّرشناسی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های مهدوی در زمان غیبت کبرا تا آغاز مکتب میرزای شیرازی» پرداخته و مقطع سوم و چهارم را در مقاله مستقل دیگری مورد تطوّرشناسی و آسیب‌شناسی قرار خواهیم داد.

تطورشناسی و آسیب‌شناسی مکتوبات مهدوی در زمان حضور ائمه تا پایان غیبت صغرا

در قرون سه گانه اول اسلامی تا نیمه قرن چهارم یعنی منتهی الیه غیبت صغرا کتاب‌های بسیاری از ناحیه اندیشمندان و علمای اسلامی در خصوص اندیشه مهدویت تدوین شده است. این منشورات به دو صورت مستقل و غیرمستقل تقسیم می‌شوند در میان شیعیان اولین کتابی که به صورت غیرمستقل به احادیث مهدویت پرداخته است کتاب سلیم بن قیس هلالی است که به اسم *سقیفه و اسرار آل محمد* مشهور می‌باشد. سلیم بن قیس از اصحاب امام علی علیه السلام بوده و در قرن اول سال ۹۰ قمری وفات یافته است و در میان اهل سنت اولین کتاب غیرمستقل که حاوی احادیث مهدویت و احادیث غیرمهدوی است کتاب *المصنف* به تألیف عبدالرزاق بن همام متوفای ۲۱۱ ق می‌باشد (فقیه ایمانی، ۱۴۲۰: ۱۶۱) در این بازه زمانی یعنی قرن اول تا غیبت صغرا در کنار تدوین کتاب‌های غیرمستقل، کتاب‌های مستقل مهدوی نیز به چاپ رسیده است که اولین کتاب در میان شیعیان کتاب *الغیبه* ابراهیم بن صالح انماطی است که از اصحاب امام باقر علیه السلام می‌باشد (مهدی‌پور، ۱۳۷۵: ج ۱، ۱۰) و بعد کتاب‌های حسن بن علی بن ابی حمزة بطائنی *الغیبه*، *الرجعه*، *الملاحم*، *القائم الصغیر* (نجاشی، ۱۳۷۲: ۳۷) و *القائم الکبیر* است و بعد کتاب *الغیبه* حسن بن محمد بن سماعه می‌باشد. و در میان اهل سنت اولین کتاب مستقل مهدوی *الفتن* متعلق به نعیم بن حماد مروزی متوفای ۲۲۸ ق و بعد کتاب عباد بن یعقوب رواجی متوفای سال ۲۵۰ ق به نام *اخبار المهدی* و بعد از آن کتاب *صاحب الزمان* به تألیف محمد بن اسحاق بن ابی العنبر متوفای ۲۷۵ ق می‌باشد (صادق، ۱۳۸۲: ش ۸۴، ۵۰)

کتاب‌های مستقل مهدویت در شیعه

۱. *دلایل خروج القائم*، حسن بن احمد صفار، قرن دوم هجری قمری؛
۲. *اثبات الرجعة*: فضل بن شاذان نیشابوری، متوفی ۲۶۰ ق؛
۳. *الحجه فی ابطاء القائم*: فضل بن شاذان نیشابوری، متوفی ۲۶۰ ق؛
۴. *حذو النعل بالنعل*: فضل بن شاذان نیشابوری، متوفی ۲۶۰ ق؛

۱. از قید «الصغیر» معلوم می‌شود که مولف دو کتاب به نام «قائم» داشته که فقط «قائم الصغیر» به دست نجاشی رسیده است (علی اکبر مهدی‌پور، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ۱۱).

۵. *أخبار المهدی* علیه السلام: جلودی، متوفی ۳۳۲ ق؛

۶. ملاحم: علی بن حسن بن علی بن فضال متوفی ۳۳۳ ق.

بی‌شک کتاب‌های شیعه در مقطع «عصر حضور ائمه علیهم السلام تا پایان دوران غیبت صغرا» پرتعداد بوده است و این حجم از آثار که به شمارش ۶۴ عدد می‌رسد. ولی متأسفانه اکثر آنها (و شاید همه آنها) در فرایند تاریخی از بین رفته و تنها دو عدد از این آثار، آن هم در قالب خلاصه و گزیده باقی مانده است مثلاً کتاب *اثبات الرجعه* فضل بن شاذان تنها گزیده آن به نام *منتخب اثبات الرجعه* موجود است (مهدی‌پور، ۱۳۷۵: ج ۱، ۵۳) و کتاب دیگر فضل بن شاذان به نام *الرجعه واحادیثها* تا قرن یازدهم در دست میرلوحی در اصفهان باقی بوده و ایشان چهل حدیث از آن برگزیده و کتابی به نام *کفایه المهدی*^۱ در شرح آن نوشته است (همان: ۳۷۶).

شایان ذکر است در میان کتاب‌های مستقل مهدوی که با نگارش اصحاب ائمه علیهم السلام مدون شده بیشترین اسامی برگزیده شده برای کتاب‌های مهدوی روی دو عنوان *الملاحم* و *الغیبه* دور می‌زند یعنی با عنوان *الملاحم* ۲۲ عدد و با عنوان *الغیبه* ۲۰ عدد و با عنوان *القائم* ۶ عدد و با عنوان *الرجعه* ۳ عدد و با عنوان *المهدی* ۲ عدد و با عنوان *الفتن* ۳ عدد می‌باشد.

در میان اصحاب ائمه علیهم السلام بیشترین کتاب متعلق به فضل بن شاذان نیشابوری است که ایشان هشت کتاب به نام‌های *اثبات الغیبه*، *الحجه فی ابطاء القائم*، *اثبات الرجعه*، کتاب *القائم*، *الملاحم*، *الرجعه واحادیثها*، *حذو النعل بالنعل* و *التنبیه من الحیره والتیه* تألیف نموده است و بعد از آن عبدالله بن جعفر حمیری قرار دارد که از ایشان نیز پنج کتاب به نام‌های *قرب الاسناد الی صاحب الامر علیه السلام*، *الرسائل والتوقعات*، *الغیبه والحیره*، *الغیبه ومسائله* و *الفتنه والحیره* تدوین شده است. و در مرحله بعد حسن بن علی بن ابی حمزه بطنانی است که پنج کتاب به نام‌های *الغیبه*، *الرجعه*، *الملاحم*، *القائم الصغیر* (نجاشی، ۱۳۷۲: ۳۷) و *القائم الکبیر* از ناحیه او تألیف شده است.

۱. منابع کفایه المهدی عبارت است از کتب معتبر شیعه امامیه مانند کمال الدین، الغیبه طوسی و کشف الغمه؛ اما تأکید اصلی بر روایاتی است که در کتاب *اثبات الرجعه* فضل بن شاذان وجود داشته و امروزه آن کتاب در دست نیست.

کتاب‌های مستقل مهدوی در اهل سنت

در بازه زمانی سه قرن اول قمری تا انتهای عصر غیبت صغرا، مکتوبات مهدوی اهل سنت با مکتوبات مهدوی شیعه از نظر زمانی و کمی تفاوت‌های اساسی دارند. زیرا در اهل سنت اولین کتاب مستقل مهدوی (به نام *الفتن* ابن حماد و *اخبار المهدی* عباد بن یعقوب رواجی) در نیمه اول قرن سوم قمری، ولی در شیعه (*الغیبه* ابراهیم بن صالح انماطی و *کتاب الفتن والملاحم* حسن بن علی بن ابی حمزة بطائنی) در نیمه اول قرن دوم قمری تدوین شده است و از نظر تعداد، مکتوبات مستقل مهدویت در شیعه براساس داده‌های تاریخی چندین برابر مکتوبات اهل سنت می‌باشد.

۱. *الفتن*: نعیم بن حماد مروزی، متوفای ۲۲۸ ق
 ۲. *أخبار المهدی* علیه السلام: عباد بن یعقوب رواجی، متوفی ۲۵۰ ق
 ۳. *الفتن*: حنبل بن اسحاق الشیبانی، متوفای ۲۷۳ ق
 ۴. *کتاب المهدی*: ابوداود سلیمان سجستانی، متوفای ۲۷۵ ق
 ۵. *صاحب الزمان*: ابن ابی العنبر، متوفای ۲۷۵ ق
 ۶. *جمع الاحادیث الواردة فی المهدی*: ابوبکر بن ابی خيثمه متوفای ۲۷۹ ق
 ۷. *الفتن*: ابویحیی زکریا بن یحیی بزاز، متوفای ۲۹۸ ق
 ۸. *الملاحم*: ابویعقوب اسماعیل بن مهران بن ابی نصر سکونی، قرن سوم
 ۹. *کتاب الغیبه*: حافظ احمد بن همدانی ابن عقده، متوفای ۳۳۳ ق
 ۱۰. *جزء المهدی*: أحمد بن جعفر ابن منادی، متوفای ۳۳۶ ق
 ۱۱. *ملاحم*: أحمد بن جعفر ابن منادی، متوفای ۳۳۶ ق
 ۱۲. *الفتن*: ابوصالح بن احمد بن عیسی سلیلی، در سال ۳۰۷ قمری تدوین شده است.
- مجموعه کتاب‌های بالا که تعداد آن به ۱۲ عدد می‌رسد کتاب *الفتن*^۱ حنبل بن اسحاق و *الفتن* نعیم بن حماد به طور کامل باقی مانده و کتاب *ملاحم* ابن منادی نیز در حجم محدود باقی مانده است (مهدی‌پور، ۱۳۷۵: ج ۲، ۶۷۵) کتاب *المهدی* از ابوداود سلیمان سجستانی که در در ضمن سنن ابوداود آمده است و کتاب *الفتن* ابوصالح سلیلی و *الفتن* ابویحیی زکریا بن یحیی بزاز به صورت مستقل و مجزا باقی نمانده بلکه ابن طاووس

۱. در بیروت، انتشاراتی دارالبشائر در تاریخ ۱۴۱۹ ق به چاپ رسیده است.

این دو کتاب را همراه با کتاب *الفتن* نعیم بن حماد به صورت خلاصه در کتاب *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن* آورده است البته کتاب ابن طاووس به نام‌های دیگری نظیر *الملاحم و الفتن و الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر* نیز مشهور است. پس تنها دو کتاب به صورت کامل و چهار کتاب به صورت محدود و ضمنی موجود بوده و بقیه کتاب‌ها قابل دسترسی نبوده و از بین رفته است.

نکته قابل ذکر؛ با این‌که حجم و تعداد کتاب‌های مستقل مهدوی در شیعه در بازه زمانی مورد نظر چندین برابر کتاب‌های مستقل اهل سنت است ولی تعداد کتاب‌های بر جای مانده اهل سنت چندین برابر کتاب‌های شیعه است. در مکتوبات مهدوی شیعه دو کتاب آن هم در قالب خلاصه و گزیده باقی مانده است ولی در اهل سنت با توجه به کمی تعداد کتاب‌های تدوین شده، تعداد بیشتری از آنها در تاریخ ماندگار شده و موجود می‌باشد.

آسیب‌شناسی منشورات مهدوی

بعد از فراغت از بیان کمیت مکتوبات مهدوی در بازه زمانی مورد نظر به بیان کیفیت این مکتوبات از نظر محتوا، ساختار و غایات پرداخته می‌شود. یعنی مکتوبات و آثار مهدوی دارای اشکالات عدیده‌ای است که از سه منظر «ساختار نوشتاری» و «محتوای علمی» قابل تحلیل و تبیین می‌باشد. به بیان دیگر مشکلات و آسیب‌هایی که مکتوبات مهدوی در این دوره بدان دچار شده‌اند یا مربوط به چارچوب و ساختار کتاب است و یا مربوط به متون و محتوای علمی کتاب است.

۱. آسیب‌شناسی از نظر ساختار

منشورات مهدوی در دوره حضورائمه علیهم‌السلام و عصر غیبت اعم از شیعه و اهل سنت که در مجموع به تعداد ۷۶ اثر تخمین زده می‌شود از حیث ساختاری و چارچوب تألیفی به طوری خالی از انسجام و انتظام نوشتاری است که نام‌گذاری آنها را در قالب کتاب و رساله با مشکل مواجه کرده است این نواقص و اشکالات نوشتاری که بدون استثناء در همه تألیفات و آثار این عصر نمود و بروز داشته و به صورت‌های مختلفی نمایان می‌شود براین اساس برخی از مکتوبات بدون شناسه و مقدمه و برخی دیگر بدون پایان کار و نتیجه تدوین شده است و نیز برخی دیگر از مکتوبات بدون تبویب و مقوله‌بندی و برخی

دیگر بدون عنوان و نام‌گذاری و برخی دیگر بدون درج سرفصل‌ها همراه با تکرار مکررات تألیف شده است. مثلاً در بررسی اولین کتاب و قدیمی‌ترین کتاب مهدوی در اهل سنت به نام *الفتن* که متعلق به ابن حماد است گفته می‌شود:

مؤلف کتاب *الفتن* هیچ‌گاه در کتاب خودش نامی از *الفتن* نمی‌برد چون غیر از نقل روایت به مطلب دیگری نپرداخته و حتی مقدمه و خطبه‌ای ندارد آنچه درباره نام کتاب *الفتن* و نسبت آن به ابن حماد شهرت دارد، از قرن هفتم به بعد است. سه نفر معاصر در نیمه دوم قرن هفتم، یعنی ابن طاووس در التشریف، شافعی سلمی در عقد الدرر و ابن عدیم در *ربغیة الطلب* کتاب *الفتن* را از نعیم بن حماد دانسته و از آن روایت کرده‌اند. ذهبی نیز این مطلب را ذکر کرده است (ذهبی، ۱۴۲۲: ج ۱۰، ۶۰۹).

کتاب *الفتن* ابن حماد از ده جزء تشکیل شده، ولی دلیل این تقسیم‌بندی و تفاوت این اجزاء روشن نیست. چون در هر جزء روایاتی وجود دارد که عناوین همان روایات در اجزای دیگر نیز به چشم می‌خورد (صادقی، ۱۳۸۲: ش ۸۴، ۵۰) تعداد ابواب هر جزء نیز متفاوت است. جزء اول شامل ده باب، جزء دوم چهار باب، جزء سوم ۱۰ باب جزء چهارم ۱۴ باب، جزء پنجم ۱۶ باب، جزء ششم ۲ باب، جزء هفتم ۶ باب، جزء هشتم تا دهم هر کدام ۵ باب. متأسفانه این کتاب هیچ مقدمه و مؤخره‌ای ندارد و مؤلف از آغاز تا انجام آن را به نقل روایت پرداخته و هیچ مطلبی در ابتدا یا انتهای کتاب بیان نکرده و در لابه‌لای روایات نیز هیچ‌گونه تفسیر و توضیحی از خود اضافه نکرده است.

۲. آسیب‌شناسی از نظر محتوا

منشورات مهدوی علاوه بر نواقص تألیفی و اشکالات ساختاری، دارای اشکالات محتوای و مفهومی است در این دوره که جمع آثار مستقل مهدوی اعم از شیعه و اهل سنت به تعداد ۷۶ اثر می‌رسد از نظر محتوایی خالی از قواعد علمی و اسلوب مطالعاتی است زیرا قواعد علمی و اسلوب مطالعاتی که در قالب تحلیل مفهومی، تبیین علمی، روش‌های مختلف دانشی توجیه و تعریف می‌شود در هیچ کدام از آثار این دوره اعم از آثار موجود و مفقود و اعم از آثار پر حجم و کم حجم، یافت نمی‌شود، تنها تجمیع احادیث بدون ضابطه و بدون تبویب به صورت پشت سرهم بدون تبیین و تحلیل و بدون بیانات و نظرات نویسنده، تدوین شده است و این نقصیه به طور کلی و فراگیر در همه مکتوبات این دوره وجود داشته (به جزء موارد نادر) و این شاخصه‌ها وجه‌المشترک

همه آنها می‌باشد.

و هم‌چنین همه کتاب‌های این دوره اعم از مکتوبات شیعه و اهل سنت با نگرش واحد یعنی با نگرش نقلی تنظیم شده است. نقل محوری در اقسام سه‌گانه تقسیم می‌شود: نقل محوری صرف، نقل محوری همراه با تبیین و نقل محوری همراه تبیین و تحلیل. در این دوره مکتوبات مهدوی با نقل محوری صرف بدون تبویب و مقوله‌بندی، تدوین شده‌اند یعنی در قالب احادیث محدود و در حجم محدود بدون صدر و ذیل تنظیم شده است. به عنوان مثال یکی از کتاب چهارگانه مهم شیعه، کتاب کافی کلینی (کتاب غیرمستقل مهدوی است) که متعلق به این دوره است که در سه عنوان اصول کافی، فروع کافی و روضه کافی تقسیم شده است که در مجموع به هشت مجلد تشکیل می‌شود؛ در این کتاب با توجه به اهتمام آن نزد شیعیان، مرحوم کلینی تنها به نقل روایات بدون هیچ‌گونه تبیین و تحلیلی می‌پردازد تنها یک مورد دست به تبیین می‌زند و آن هم در راستای روایت امام باقر علیه السلام که در خصوص مفهوم «الله الصمد» مورد پرسش قرار گرفته و امام پاسخ می‌دهد، ایشان با استناد به این روایت قول مشبهه را در خصوص معنای الصمد رد کرده و قول شیعه را که همان برگرفته از روایت امام باقر علیه السلام است تبیین می‌کند (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۲۴).

عوامل عدم ماندگاری مکتوبات مهدوی

چنان‌که بیان شد منشورات مهدوی در دوران حضور ائمه علیهم السلام تا پایان غیبت صغرا به طور کلی از بین رفته و تنها اثری از آنها به صورت موردی و جزئی در برخی از کتاب‌های به چشم می‌خورد که این از بین رفتن‌ها دلایلی دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. متکثر نبودن نسخه‌های کتاب

یکی از علت از بین رفتن مکتوبات در دوره مذکور عدم تکثیر نسخه‌های کتاب می‌باشد زیرا وقتی که مکتوبات تک نسخه و یا چند نسخه باشد در فراز و فرود و نیز در مشکلات و نامالیمات تاریخی و اجتماعی راحت در فرایند حذف قرار می‌گیرد.

۲. آسان بودن تدوین کتاب

از جمله عواملی که زمینه از بین رفتن مکتوبات را فراهم می‌کند آسان بودن تدوین

کتاب است یعنی وقتی که با جمع‌آوری چند عدد روایات یک کتاب شکل بگیرد و سختی‌های تدوین نظیر مقدمه، نتیجه، ساختار، تبیین، تحلیل و... نباشد این کتاب خیلی برای نویسندگان و مخاطبین جلب توجه نکرده و خیلی برای صیانت و حفظ آن هزینه نمی‌شود. به طور طبیعی این نوع کتاب به راحتی تدوین و به راحتی از بین می‌روند.

۳. عدم اهتمام به مکتوبات

اهتمام ورزی نسبت به علم و مکتوبات از جمله عواملی است که صیانت و حفاظت مکتوبات را تضمین می‌کند وقتی که در میان مردم این اهتمام ورزی جدی گرفته نشود و به عنوان یک فرهنگ نهادینه نشده باشد به طور طبیعی مکتوبات و نوشته‌جات بیشتر در معرض خطر و اضلال قرار می‌گیرند.

۴. استنساخ روایات و درج آنها در برخی کتب

از جمله عواملی که زمینه عدم ماندگاری کتاب‌های عصر اولیه تاریخ اسلام را فراهم کرده است برداشت روایات و درج آنها در برخی از کتاب‌ها می‌باشد مثلاً در حوزه مهدویت روایات کتاب‌های الغیبه نعمانی، اکمال الدین شیخ صدوق و الغیبه شیخ طوسی از منابع و کتاب‌های عصر اول تاریخ اسلام بوده است و با وجود این کتاب‌ها و محتوای آنها که برگرفته از منابع اولیه می‌باشد به مرور زمان بستری نیازی از منابع اولیه و زمینه از بین رفتن آنها فراهم می‌شود.

۵. کاربرد تقیه به خاطر وجود دشمنان

شاهد بیشترین و مهم‌ترین عامل در عدم ماندگاری مکتوبات دینی بالاخص مکتوبات شیعی، وجود مخالفان و دشمنان باشد زیرا براساس داده‌های تاریخی، مخالفان مذهب تشیع که بیشتر حاکمان و صاحبان قدرت در آن زمان بوده‌اند به نحوی به دنبال از بین بردن مذهب تشیع، و آثار و مکتوباتی که مربوط به این مذهب است بوده‌اند، علماء و نویسندگان شیعه نیز به خاطر حفظ جان و حفظ مکتوبات روی به تاکتیک تقیه آورده و با پنهان‌کاری علاوه بر صیانت جانی به صیانت از آثار شیعه می‌پرداختند که در واقع خود این تقیه و پنهان‌کاری در کنار توطئه‌های دشمن، خود به خود زمینه مخفی ماندن آثار شیعه و عدم اشاعه آن در میان دوستان و شیعیان فراهم شده و این ناشناسی و مخفی‌کاری زمینه فراموشی و از بین رفتن آنها را تسهیل می‌نماید.

۶. مکتوبات مهدوی با نام‌گذاری نامناسب و بی‌نام

نویسندگان شیعه و اهل سنت در این دوره بیشتر مکتوبات مهدوی را با عناوین نامناسب نظیر ملاحم و فتن نام‌گذاری کرده‌اند. در شیعه در کنار عنوان الغیبه از عناوینی چون الملاح بسیار استفاده شده و خیلی از کتاب‌ها با این عنوان ارائه شده است و در اهل سنت بسیاری از مکتوبات مهدوی با تیترا فتن نام‌گذاری شده است. ملاحم یعنی گوشت روی گوشت ریختن و یا بدن روی بدن افتادن که کنایه از جنگ و مبارزه و کشتارهایی دارد که در آینده به وقوع می‌پیوندد و الفتن به معنای فتنه‌ها و درگیریهایی است که در آینده تحقق پیدا می‌کند. وقتی که مباحث مهم مهدویت و احادیث مهدوی در قالب عناوین و تیتراهای نامناسب نظیر الملاحم و الفتن معرفی شده و مردم بیشتر مهدویت را با این عناوین بشناسند پرواضح است که با این تعریف نامناسب و معرفی ناقص، مردم نسبت به مهدویت ذهنیت منفی پیدا کرده و با تردید و استبعادورزی از این اندیشه فاصله گرفته و زمینه‌های بی‌مهری و بی‌توجه به مهدویت و مکتوبات آن در جامعه فراهم شود.

تطوّرشناسی و آسیب‌شناسی مکتوبات مهدوی در غیبت کبرا تا پایان قرن سیزدهم

با اتمام غیبت صغرا، غیبت کبرا برای امام زمان علیه السلام شروع می‌شود غیبت کبرا و صغرا با وجود برخی شاخصه‌ها از یکدیگر متمایز می‌گردند:

۱. غیبت صغرا از نظر زمانی کوتاه یعنی از سال ۲۶۰ ق آغاز و تا سال ۳۲۹ ق پایان می‌پذیرد ولی غیبت کبرا از نظر زمانی طولانی بوده و شروع آن که همان پایان غیبت صغرا است و پایان آن که با رخداد ظهور تحقق پیدا می‌کند بر ما ناشناخته است؛

۲. مفهوم غیبت در غیبت صغرا، نسبی و محدود بوده ولی در غیبت کبرا، مطلق و کامل می‌باشد؛

۳. راه ارتباطی میان شیعیان و امام زمان علیه السلام در غیبت صغرا که به وسیله نایبان خاص و توقیع حاصل می‌شود در غیبت کبرا این دوراه مسدود می‌باشد (نعمانی، بی‌تا: ۱۷۳)؛

۴. تفاوت اساسی میان غیبت صغرا با کبرا با وجود جانشینان توجیه می‌شود که غیبت صغرا با جانشینان خاص و غیبت کبرا با جانشینان عام بازشناسی می‌شود.

غیبت کبرا با شاخصه‌های فوق برای شیعیان و جامعه شیعه غیرمترقبه و شوک‌آور بوده و زمینه تحیر و سرگردانی نسبی را در میان آنها فراهم نموده است. در این دوره علمای شیعه علاوه بر تبلیغات گفتاری به تبلیغات نوشتاری نیز روی آورده و با تدوین آثار و مکتوبات مهدوی، اعتقاد و باور شیعیان را نسبت به اندیشه مهدویت تقویت نموده و رخداد غیبت کبرا را برای آنها تفهیم و تسهیل کرده‌اند.

کمیت آثار مهدوی

در این دوره حجم کتاب‌های مستقل مهدوی در شیعه بیشتر شده است و از نظر شمارش تعداد آنها به ۳۳۵ کتاب می‌رسد (مهدی‌پور، ۱۳۷۵: ج ۱-۲) در حالی که در همین بازه زمانی از اهل سنت تعداد ۶۸ کتاب به چاپ رسیده است (فقیه ایمانی، ۱۴۲۰: ۱۰۳) که با این احتساب کتاب‌های شیعه تقریباً پنج برابر کتاب‌های اهل سنت می‌باشد.

بیان چند نکته پیرامون مکتوبات مهدوی در این دوره

۱. در میان مکتوبات این دوره بیشترین آثار مربوط به شیخ مفید است که به تعداد ۸ اثر و بعد از او شیخ صدوق است که به تعداد ۵ اثر می‌باشد. ولی در اهل سنت بیشترین تألیفات ۶ کتاب است که متعلق ابونعیم اصفهانی بوده و بعد از او متعلق به محیی‌الدین ابن عربی است که ۵ عدد کتاب می‌باشد (همان) از آن جایی که در خصوص مذهب ایشان اختلاف نظری وجود داشته و برخی او را شیعه و برخی سنی می‌پندارند. مکتوبات ایشان نیز براساس اختلاف مذهب به دو گونه جاسازی می‌شود اگر با وجود برخی مستندات و دلایل، شیعه بودنش ثابت شود (خرمشاهی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۳۴۸) کتاب‌های ایشان در آمار آثار شیعه جای می‌گیرد (مهدی‌پور، ۱۳۷۵: ۵۳۰، ۵۷۵، ۷۴۰ و ۷۹۰) و اگر با وجود برخی مستندات و دلایل سنی بودنش ثابت شود (عاملی، ۱۳۹۲: ۴۵) پس آثار او در آمار کتاب‌های اهل سنت قرار می‌گیرد (فقیه ایمانی، ۱۴۲۰: ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۲-۱۴۳).

۲. در شیعه اولین کتاب الغیبه است که متعلق به نعمانی می‌باشد و در اهل سنت اولین کتاب به نام اخبار الدوله فی ظهور المهدی که اختصاص به احمد بن ابراهیم بن جزاز قیروانی دارد.

۳. مکتوبات اهل سنت در بازه زمانی مذکور از قرن نیمه چهارم قمری تا پایان قرن سیزدهم که در مجموع به مدت نه و نیم قرن بوده، تعداد ۶۸ کتاب می‌باشد که از این مجموعه، ۴۶ کتاب موجود و قابل دسترسی بوده و بقیه آنها یعنی ۴۲ کتاب مفقود و غیرقابل دسترسی می‌باشد.

۴. سه مصدر حدیثی مهم بحث «غیبت» که عبارت است از: کتاب غیبت تألیف ابو عبدالله نعمانی و کتاب کمال الدین و تمام النعمه تألیف شیخ ابوجعفر صدوق و کتاب غیبت تألیف شیخ ابوجعفر طوسی در ابتدای عصر غیبت کبری تدوین شده است.

حاصل بحث

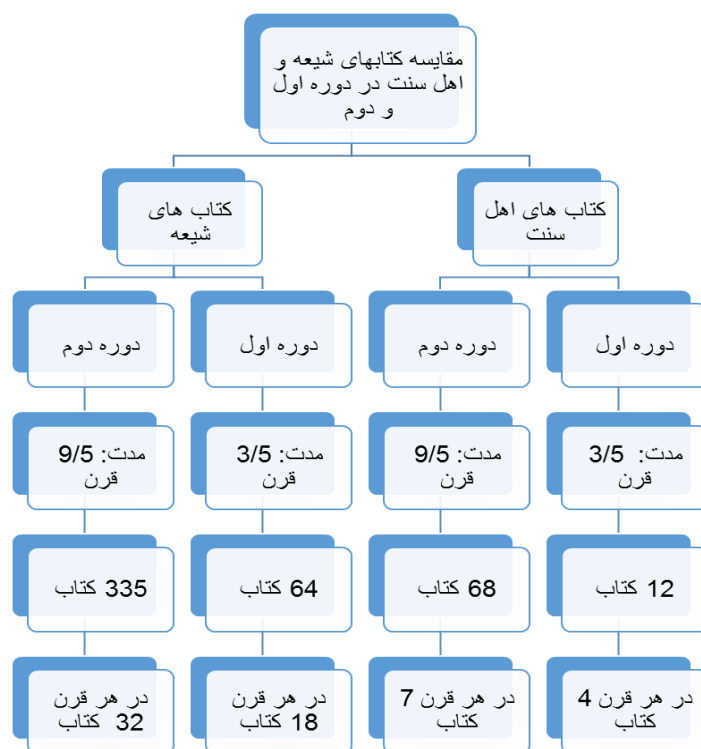
بی‌تردید بعد از آمارگیری از تعداد مکتوبات مستقل مهدویت در دو دوره مذکور (یعنی از ابتداء تا پایان غیبت صغرا و از غیبت کبرا تا پایان قرن سیزدهم) به این جمع‌بندی می‌رسیم که کتاب‌های مهدوی در طور تاریخ سیر صعودی داشته است مثلاً در دوره اول در بازه زمانی سه قرن و نیم مجموع مکتوبات شیعه و اهل سنت به تعداد ۷۶ کتاب می‌باشد یعنی با نگرش دقیق‌تر در هر قرن ۲۲ کتاب به چاپ رسیده است. ولی در دوره دوم در بازه زمانی نه قرن و نیم مجموع مکتوبات شیعه و اهل سنت به تعداد ۴۰۳ کتاب می‌باشد که با نگرش دقیق‌تر در هر قرن ۴۲ کتاب می‌باشد.

اما اگر این آمارگیری را به صورت جداگانه در نظر بگیریم در اهل سنت سیر صعودی دو برابری دیده می‌شود زیرا در دوره اول تعداد مکتوبات اهل سنت ۱۲ عدد بوده و این تعداد در دوره دوم به عدد ۶۸ کتاب می‌رسد به بیان دقیق‌تر در دوره اول تقریباً در هر قرن ۴ کتاب و در دوره دوم تقریباً هر قرن ۷ کتاب به چاپ رسیده است. در شیعه سیر صعودی سه برابری دیده می‌شود مثلاً در دوره اول تعداد کتاب‌ها ۶۴ عدد می‌باشد که در دوره دوم این حجم به تعداد ۳۳۵ کتاب می‌رسد در نگرش ریزتر در دوره اول در هر قرن ۱۸ کتاب و در دوره دوم در هر قرن ۳۲ کتاب به چاپ رسیده است.

نمودار کتاب‌های دوره اول و دوم



نمودار مقایسه کتاب‌های شیعه و اهل سنت در دوره اول و دوم



آسیب شناسی مکتوبات مهدوی در این دوره

بعد از بیان کمیت آثار مهدوی از زمان شروع غیبت کبرا تا پایان قرن سیزدهم و چند برابری آثار مهدویت شیعه در برابر آثار مهدویت اهل سنت و نیز بعد از بیان ماندگاری و عدم ماندگاری برخی آثار اهل سنت و شیعه، به تبیین کیفیت تدوین آنها (اعم از کتاب های شیعه و اهل سنت، و اعم از کتاب های موجود و یا مفقود) در قالب نکاتی چند در قالب ضعف ها و قوت ها پرداخته می شود.

ضعف ها و شاخصه های منفی

۱. حدیث محوری صرف

در میان کتاب های تدوین شده در عصر غیبت کبرا (ابتدای غیبت کبرا تا پایان قرن سیزدهم) که در شیعه به ۳۳۵ عدد و در اهل سنت به ۶۸ عدد می رسد، غالب آنها نقل محور می باشند یعنی با چیدمان روایات بدون تبیین، تحلیل و تفسیر ارائه شده اند به بیان دقیق تر در اهل سنت همه کتاب ها با این شاخصه تدوین شده و در شیعه غالب کتاب ها به استثناء مواردی با این شیوه دنبال شده است مثلاً کتاب های موجود در اهل سنت نظیر *الاربعمون حدیثاً فی المهدی* از ابونعیم اصفهانی که صاحب کتاب تنها به تجمیع چهل روایت پیرامون امام مهدی علیه السلام و بدون هیچ گونه توضیح و تفسیری آنها را نقل کرده است و *السنن الواردة فی الفتن* از عثمان بن سعید دانی که کتاب از نظر متنی حجیم بوده و متشکل از ۱۰۸ باب می باشد که اولین باب آن با عنوان: «بابُ إِعْلَامِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْفِتْنِ وَسُؤَالِهِ لِأَمَّتِهِ...» و آخرین باب آن با عنوان: «بابُ مَا جَاءَ فِي النَّفْخِ فِي الصُّورِ»، تیتراژ شده است که در مجموع این ابواب ۷۲۵ روایات نقل شده است. این تعداد ابواب و این تعداد روایات که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب او نقل شده بدون هیچ گونه تبیین و تحلیل و تفسیری پشت سرهم ذکر گردیده است. ولی در مکتوبات شیعه از برخی آثار که صرفاً با همین نگرش یعنی نگرش نقلی صرف تدوین شده عبور کنیم کتاب هایی با نگرش نقلی - تبیینی نظیر کتاب *الغیبه نعمانی و اکمال الدین* شیخ صدوق، تدوین شده که تنها به نقل روایات اکتفا نشده بلکه توضیحات و تبیین هایی در ذیل برخی از روایات نیز داده شده است. و کتاب هایی با نگرش نقلی - تبیینی و تحلیلی نظیر کتاب *الغیبه* شیخ طوسی تدوین شده که نویسنده علاوه بر نقل

روایات به تبیین آنها همراه با تحلیل کلامی پرداخته است و کتاب‌هایی با نگرش عقلی و استدلالی نظیر *ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت حضرت مهدی (علیه السلام)*، *الفصول العشره فی الغیبه* از شیخ مفید و *المقنع فی الغیبه* از سید مرتضی علم‌لهدی به رشته تحریر درآمده که با نگرش تبیینی و تحلیلی همراه با رویکرد کلامی و عقلی تنظیم شده است.

۲. حدیث محوری با تبیین موردی و بدون تحلیل

دومین نقطه ضعفی که در مجموعه منشورات مهدوی در این دوره (ابتدای عصر غیبت کبریا تا قرن سیزدهم) به چشم می‌خورد، حدیث محوری بدون تحلیل می‌باشد. یعنی مکتوبات مهدوی، در راستای توجیه مهدویت، بیشتر به نقل احادیث همراه با تبیین موردی اکتفا کرده و اصلاً به سوی تحلیل و تبیین فراگیر پیش نرفته‌اند. در این خصوص در میان کتاب‌های موجود می‌توان به دو کتاب *الغیبه نعمانی* و *کمال‌الدین* شیخ صدوق اشاره کرده که این شاخصه‌ها در آنها یافت می‌شود. مثلاً کتاب *الغیبه نعمانی* که تقریباً حاوی ۵۰۰ روایت از همه معصومان (علیهم‌السلام) به غیر از سه معصوم (امام حسن (علیه السلام)، امام حسن عسکری (علیه السلام) و امام زمان (علیه السلام)) است غالب روایات بدون هیچ‌گونه تبیین و تفسیری نقل شده است مگر موارد نادری که مؤلف وضعیت مردم و شرح حال فرهنگی و دینی آنها را بیان می‌کند و بی‌رونقی نسبت دین و شریعت، و بی‌مهری آنها نسبت به امامان (علیهم‌السلام)، خصوصاً امام زمان (علیه السلام) را گوشزد کرده و انگیزه نوشتن کتاب را پاسخگویی به شبهات و ایرادات مخالفان در خصوص غیبت امام زمان (علیه السلام) می‌داند (نعمانی، بی‌تا: ۳۲) و در متن کتاب نیز در برخی موارد به صورت اختصار به توضیح و تبیین برخی احادیث می‌پردازد (همان: ۱۶۰). شیخ صدوق در کتاب *کمال‌الدین* همین رویه یعنی رویه نقل محوری و اکتفا کردن به نقل احادیث و بدون تحلیل همراه با تبیین موردی (نه فراگیر) را دنبال نموده است.

۳. شبهه محوری در تدوین آثار

به طور کلی کتاب‌های شیعه در قرن اول غیبت کبریا با همه تفاوت‌های رویکردی نظیر رویکردهای نقلی، نقلی - عقلی، نقلی - تبیینی، و نقلی - تحلیلی، بیشتر با انگیزه واحدی یعنی با بیان شبهات و پاسخگویی به آنها طراحی شده‌اند. این انگیزه در ابتدای غیبت کبریا بیشتر مشاهده می‌شود. زیرا در این مقطع زمانی، به خاطر رخداد غیبت کبریا و

پایان غیبت صغرا فعالیت دشمنان و مخالفان شیعه بیشتر شده و با طرح شبهات و ایرادات نسبت به موضوعات مهدوی نظیر اصل غیبت، طولانی شدن غیبت و طولانی شدن عمر امام زمان علیه السلام و... به تخریب و تضعیف باورداشت مهدویت و به تحیر و سرگردانی مردم دامن می‌زدند که برای مقابله و مبارزه با آنها علما و اندیشمندان شیعه با ورود به صحنه و با تدوین کتاب‌ها و مکتوبات گوناگون به پاسخگویی و دفع شبهات آنها مبادرت نموده‌اند. گرچه اصل تدوین کتب با نگرش شبهه‌محوری نه تنها مذموم و ناپسند نبوده بلکه در جای خود پسندیده و لازم می‌باشد. زیرا نشان از مسئله‌محور بودن تحقیقات و کاربردی بودن آنها دارد ولی از دو نکته نباید غفلت کرد: نکته اول این‌که؛ نگرش دفعی همیشه مقدم بر نگرش رفعی است یعنی مکتوبات و نوشته‌جات از نظر محتوا باید طوری تنظیم شوند که با نگرش پیشینی به دفع شبهات بپردازد نه این‌که شبهه مطرح شود و تأثیرات تخریبی خودشان را بر جای گذارد بعد با تدوین مکتوبات و پاسخگویی به آنها درصدد مبارزه و رفع آنها برآئیم. پس همیشه دفع شبهات اولی و مقدم بر رفع شبهات می‌باشد. نکته دوم؛ عدم مطلوبیت شبهه‌محور بودن همه مکتوبات مهدوی در یک عصر. یعنی اگر در یک قرن همه اندیشمندان در برابر مخالفان موضع تدافعی بگیرند و منتظر طرح شبهات از ناحیه دشمنان بوده و با تدوین نوشته‌جات و مکتوبات به دنبال دفع ایرادات و پاسخ به شبهات آنها برآیند. این حرکت و فعالیت، حرکت و فعالیت مناسب و مطلوبی نیست. براین اساس وقتی نگاهی به مکتوبات بر جای مانده دوران ابتدای غیبت کبرا می‌افکنیم، می‌بینیم که در میان ۱۴ اثر بر جای مانده از اولین کتاب این دوره به نام *الغیبه* نعمانی تا آخرین کتاب، همگی به نحوی با رویکرد شبهه‌محوری تنظیم و تدوین شده است. مثلاً کتاب *الغیبه* نعمانی که اولین کتاب این دوره می‌باشد. نویسنده در جای جای این کتاب به این مسئله اذعان کرده و با بیان انگیزه خویش، تدوین کتاب را به خاطر وجود شبهات و نارسائی فرهنگی دینی مردم می‌داند (نعمانی، بی‌تا: ۲۰).

کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* که دومین کتاب موجود در عرصه مهدویت در ابتدای عصر غیبت کبرا است با موضوع غیبت تدوین شده است و این کتاب که دارای مقدمه طولانی که یک سوم متن کتاب را به خودش اختصاص داده شیخ صدوق انگیزه تألیف آن را سه چیز می‌داند:

۱. انحراف عده ای از شیعیان در باب مهدویت و اعتقاد به امر غیبت و عدول بعضی از آنان از تسلیم و پذیرش روایات؛

۲. ملاقات با مرحوم نجم الدین ابوسعید محمد بن حسن بن محمد بن احمد بن علی بن صلت قمی که دارای شک و تردید در خصوص غیبت امام زمان علیه السلام بوده، شیخ صدوق بعد از بیان روایات و احادیث ائمه علیهم السلام به هدایت او می پردازد و ایشان بعد از برطرف شدن شک و تردیدش از شیخ صدوق درخواست می کند تا کتابی را در این خصوص تدوین نماید؛

۳. رؤیای صادق و اشاره امام عصر علیه السلام به تألیف کتابی درباره غیبت (صدوق، ۱۳۸۲: ج ۱، ۶).

کتاب *فصول العشره* شیخ مفید که با نام های دیگری *نظیر المسائل العشره فی الغیبه*، *الاجوبه عن المسائل العشره*، *الجوابات فی خروج المهدی*، *جوابات المسائل العشره فی الغیبه*، *شرح الاجوبه عن المسائل فی العشره الفصول عما يتعلق بمهدی آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم* و کتاب *الغیبه* مشهور است. شیخ مفید، به درخواست یکی از علما و دانشمندان زمان خود، به نام رئیس، ابوالعلاء بن تاج الملك، این کتاب را به نگارش درآورده است؛ ابوالعلاء، با ارسال ده شبهه از شبهات مخالفین برای شیخ مفید، از ایشان درخواست کرده تا کتابی در پاسخ به این شبهات بنویسد و شیخ مفید نیز پذیرفته و با نگارش این کتاب، به پاسخگویی آن شبهات پرداخته است (مفید، ۱۴۱۳: ۳۱).

کتاب *اربع رسالات فی الغیبه* چهار رساله کوتاه (مقاله) از شیخ مفید به پاسخ های این عالم شیعی در موضوع غیبت امام عصر علیه السلام اختصاص دارد. وی نام پرسشگر را ذکر نکرده و در هر رساله به پاسخ يك پرسش پرداخته است.

کتاب *المقنع فی الغیبه*، سید مرتضی درباره انگیزه تألیف خود، در ابتدای این کتاب چنین می نویسد:

در مجلس وزیر رسید - که خدا عمرش را به عزّت زیاد گرداند و بدخواهان و دشمنانش را خوار نماید - کلامی درباره غیبت امام زمان علیه السلام پیش آمد این امر مرا بر آن داشت تا کتاب مختصری پیرامون غیبت تدوین کنم تا سراین قضیه روشن شده و شبهه ها برطرف گردد... (علم الهدی، ۱۴۱۹: ۳۱).

کتاب *الغیبه* شیخ طوسی گرچه با دو کتاب *الغیبه* نعمانی و *کمال الدین* شیخ صدوق از

نظروش و رویکرد تفاوت‌هایی دارد ولی در اصل انگیزه تدوین و نگارش کتاب که همان شبهه محوری باشد، مساوی و هم‌نوا می‌باشد. چنان‌که شیخ طوسی در بیان انگیزه تدوین می‌نویسد:

همانا من پاسخ می‌گویم به آنچه فرمان فرمود شیخ بزرگوار (که خدا عمرش را طولانی نماید) از ایراد سخن در غیبت امام زمان علیه السلام و علت غیبت و دلیلی که به جهت آن غیبت طولانی شده است با آن‌که نیاز به او زیاده شده و حیل‌ها گسترش پیدا کرده و هرج و مرج فراگیر و فساد در خشکی و دریا زیاد شده است و این‌که چرا او ظهور نمی‌کند مانع آن چیست و چه فلسفه‌ای دارد؟ و پاسخ به آنچه در این باره از شبهات و چالش‌های مخالفان و طعنه‌ها و ایرادات دشمنان وجود دارد (طوسی، ۱۴۲۵: ۲۸).

قوت‌ها و شاخصه‌های مثبت

۱. رویکرد کلامی در تدوین آثار

در تعریف علم کلام آمده است؛ کلام آن علمی است که با روش عقلی و نقلی به دفاع از دین و آموزه‌های دینی پرداخته و با دلایل و براهین به ابطال و دفع شبهات از حریم دین می‌پردازد (فارابی، ۱۹۹۶م: ۱۳؛ رازی، ۱۴۱۱: ۸۰؛ ایجی، ۱۳۲۵: ج ۱، ۲۶) تفاوت علم کلام با علم حدیث در این است که حدیث (نقل) در علم کلام مسیر دلیل است ولی در علم حدیث خود دلیل است. و تفاوت علم کلام با فلسفه در این است که عقل و قواعد عقلی در علم کلام راه رسیدن به دلیل است ولی در علم فلسفه خود دلیل است. و تفاوت علم کلام با علم تفسیر در این است که آیات (نقل) در علم کلام مسیر دلیل و در علم تفسیر خود دلیل است.

از جمله شاخصه‌های مهمی که به نوعی مکتوبات مهدوی در عصر غیبت کبرا را از مکتوبات عصر غیبت صغرا متمایز می‌کند، کار بست رویکرد کلامی در برخی از مکتوبات مهدوی است. در عصر غیبت صغرا همه مکتوبات مهدوی اعم از ماندگار و غیرماندگار، با رویکرد حدیثی و نقلی صرف تدوین شده است ولی در عصر غیبت کبرا این تدوین تغییر کرده و در کنار تدوین حدیثی صرف، سه نگرش تدوینی دیگر نظیر تدوین حدیثی همراه با رویکرد تبیینی، تدوین حدیثی همراه با رویکرد کلامی و تدوین استدلالی همراه با نگرش عقلانی مطرح شده است. اولین نگرش تدوینی که تدوین

حدیثی همراه با رویکرد تبیینی است می‌توان به کتاب *الغیبه* نعمانی و *کمال الدین* شیخ صدوق مثال زد زیرا حجم زیادی از متن این دو کتاب اختصاص به نقل روایات داشته و بیشتر آنها بدون تبیین چینش شده است و در برخی موارد و در ذیل برخی احادیث از ناحیه مؤلفین توضیحاتی داده شده است. در مورد دومین نگرش تدوینی که تدوین حدیثی همراه با رویکرد کلامی است، می‌توان به کتاب شیخ طوسی مثال زد. «گرچه در این کتاب احادیث بسیاری در باره مهدویت نقل شده است ولی صاحب کتاب در طرح بحث نگاه اولیه‌اش، به مبانی و نگرش کلامی بوده و برای تأیید آن از روایات و احادیث مهدوی استفاده می‌برد» (رستمی، ۱۳۹۲: ۹۱) مثلاً؛ در فصل اول که شروع کتاب با آن رقم می‌خورد به اثبات دو موضوع (ضرورت و وجوب امامت و ضرورت و لزوم عصمت) که بیشتر سنخیت با مباحث کلامی داشته و علم کلام عهده دار توجیه و اثبات آنها است می‌پردازد و با اثبات این دو موضوع به ابطال نگرش مدعیانی نظیر کیسانیه، ناورسیه، واقفیه، محمدیه و فطحیه پرداخته و در ادامه با براهین و دلایل متقن به اثبات غیبت امام زمان علیه السلام می‌پردازد. نکته قابل ذکر این‌که گرچه در کتاب *الغیبه* شیخ طوسی از نگرش عقلی و قواعد عقلی نیز استفاده شده ولی بیشتر مطالب با نگرش کلامی با تأییدات روائی دنبال شده است. در مورد سومین نگرش تدوینی که تدوین کتاب با نگرش عقلانی همراه با استدلال عقلی است می‌توان به کتاب شیخ مفید *نظیر الفصول العشره فی الغیبه*، و کتاب سیدمرتضی *نظیر المقنع فی الغیبه* اشاره کرده گرچه در این نوع کتاب‌ها از قواعد و مبانی کلامی نیز استفاده شده ولی غالب مباحث با نگرش عقلی چینش شده است. «مثلاً در کتاب *فصول العشره*، در مقدمه آن آمده است که این کتاب مباحث مهدویت را در قالب سؤال و جواب تنظیم کرده و برای توجیه و اثبات آن از عقل، سنت و کتاب بهره برده است ولی در متن کتاب می‌بینیم که شیخ مفید بیشتر مطالب را با استدلال و مبانی عقلی و عقلانی دنبال کرده و کمتر از مستندات روائی و قرآنی استفاده کرده است» (مفید، ۱۴۱۳: ۴۱).

شاید یکی از علت‌هایی که در عصر غیبت کبرا کتاب‌های مهدوی در جامعه شیعه به سوی تبیینی و تحلیلی پیش رفته است به خاطر فقدان امام معصوم علیه السلام باشد زیرا در زمان حضور ائمه علیهم السلام، شیعیان همه مطالب را از حضرات معصومین علیهم السلام گرفته و بدون زحمت آنها را به عنوان حجت و آخرین سخن صیانت می‌کردند و کمتر به دنبال تبیین و

تحلیل مطالب و احادیث می‌رفتند.

۲. کاربرست عناوین متنوع برای آثار

حوزه مهدویت در گذشته‌های دور به عنوان یک موضوع بسیط، کم‌گستره و کلی مورد توجه باورمندان و اندیشمندان مهدوی بوده و به خاطر همین عناوین انتخابی برای مکتوبات این حوزه به صورت کلی و کلیشه‌ای بوده است و بعضاً به خاطر ضعف جایگاه مهدویت در میان مردم و عدم فراگیری آن در حوزه فردی و اجتماعی جامعه، توجهات و تأثیرات آن ضعیف بوده و خیلی مورد توجه مسلمانان نبوده است. برای این عنوان در دوره دوم (شروع غیبت کبریا تا پایان قرن سیزدهم) کمتر شده و از نام‌گذاری‌های نامناسب و حاشیه‌ای خبری نیست و در فرایند تاریخی هرچه از مبداء تاریخ فاصله گرفته و بیشتر در فرایند زمان قرار گرفته و به پیش می‌رویم، مهدویت و آموزه‌های آن در راستای کاربردی و کارکردی شدن بیشتر در فضای جزئی‌ترو مسئله‌محورتر قرار گرفته و بیشتر اثرات اجتماعی و فردی آن نمایان می‌شود. بالتبع در راستای کاربردی و کارکردی شدن مهدویت در جامعه عناوین و نام‌گذاری‌ها نیز دقیق‌تر و جزئی‌تر و مسئله‌محورتر می‌شود.

۳. استانداردسازی آثار از حیث ساختار

از جمله شاخصه‌های مهم این دوره که از آن به نقطه قوت و شاخصه مثبت یاد می‌شود استانداردسازی مکتوبات و آثار مهدوی از نظر ساختار است. در مقایسه این دوره با دوره اول یعنی عصر حضور ائمه تا پایان غیبت صغرا، به خوبی این تفاوت ساختاری در مکتوبات مهدوی نمایان می‌شود زیرا مکتوبات مستقل مهدوی در گذشته خالی از ساختار ابتدائی نظیر نام‌گذاری کتاب، مقدمه نویسی کتاب، نتیجه‌نگاری کتاب، باب‌بندی کتاب، موضوع‌بندی کتاب و... بوده است ولی در دوره دوم این رویه عوض شده و غالب مکتوبات مستقل مهدوی علاوه بر انسجام محتوایی و متنی دارای استانداردهای نگارشی نظیر شناسه، مقدمه، نتیجه، روش، فهرست عناوین، تبویب و فصل‌بندی می‌باشند مثلاً کتاب *الغیبه* نعمانی که اولین کتاب مستقل مهدوی بعد از غیبت صغرا است حاوی یک مقدمه با ابواب بیست و شش‌گانه و در آخر برخی باب‌ها

مؤلف تبیین و نتیجه‌گیری می‌کند و در آخر کتاب را با یک نتیجه کلی به پایان می‌رساند و نیز کتاب *الغیبه* شیخ طوسی نیز با همین رویه استانداردسازی شده و در مقدمه به صورت اجمالی محورهای اصلی کتاب را بیان کرده است و در متن کتاب که به تفصیل محورها پرداخته و آنها را در قالب فصول هشت‌گانه تبیین و تحلیل می‌نماید و «نکته مهم در این کتاب روش مندی آن است که شیخ طوسی با رویکرد کلامی و روش عقلی و نقلی آن را سامان می‌دهد» (رستمی، ۱۳۹۲: ۱۲).

۴. حجیم شدن آثار از نظر متن

به طور کلی مکتوبات مهدوی در دوره اول تنها به نقل روایات اکتفا کرده و شمارگان روایات، کم یا زیاد، تعیین‌کننده حجم کتاب‌ها می‌باشد. یعنی کتاب‌های دوره اول تنها با صرف نقل روایات بدون هیچ‌گونه توضیحات و توجیهاتی تدوین شده است. مکتوبات مهدوی در فرایند تاریخی هرچه به جلو آمده به جهت تغییر رویکردی از رویکرد نقل محوری صرف به رویکرد تبیینی و تحلیلی، متن و محتوای آنها گسترده‌تر و فربه‌تر شده است. مثلاً کتاب‌های دوره اول (طلوع اسلام تا پایان غیبت صغرا) که رنگ ماندگاری به خود گرفته و الان موجود (به صورت ضمنی یا مستقل) می‌باشند نظیر کتاب *الرجعه و احادیثها* و *منتخب اثبات الرجعه* از فضل بن شاذان که با نقل محدودی از روایات تدوین شده است و کتاب *الفتن* نعیم بن حماد گرچه حجم روایات آن زیاد است ولی روایات پیرامون حضرت مهدی علیه السلام و سفیانی تنها در باب‌های ۲۹ تا ۴۴ آمده و تعداد آنها ۱۷۰ عدد بیشتر نمی‌باشد (صادقی، ۱۳۸۲: ش ۸۴، ۴۵) و یا کتاب *احادیث المهدی* از مسند احمد بن حنبل که با تعداد ۱۳۶ روایت تنظیم شده و هم‌چنین کتاب *الملاحم* ابن منادی که با تعداد ۳۱۱ روایت تدوین شده است. پس به طور کلی کتاب‌های دوره اول با رویکرد نقل محوری صرف و در حجم محدود بدون توضیح، تبیین و تحلیلی تدوین شده‌اند. و در دوره دوم تقریباً این رویه عوض شده و نگرش نقل محوری همراه با رویکرد تبیینی و تحلیلی جایگزین نقل محوری صرف گردیده است که با این احتساب حجم کتاب‌های مستقل مهدویت در این دوره رو به فربگی و حجیم شدن گذاشته است. مثلاً کتاب *الغیبه* نعمانی که اولین کتاب مستقل مهدوی بعد از عصر غیبت صغرا است با یک مقدمه طولانی که حاوی توضیحات و تبیین‌های مؤلف بوده و تقریباً یک سوم کتاب را به خود

اختصاص داده شروع شده است و کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* شیخ صدوق نیز با همین نگاه تدوین شده و حجم زیادی از کتاب به بیانات و تبیین‌های مؤلف اختصاص دارد.

۵. ازدیاد تعداد آثار از نظر ماندگاری

در دوره دوم تاریخ مهدوی (یعنی ابتدای شروع غیبت کبرا تا پایان قرن سیزدهم) تعداد مکتوبات مهدوی از منظر شیعه ۳۳۵ اثر می‌باشد که بیشتر آنها باقی مانده است از سه مصدر حدیثی مهدویت نظیر کتاب *الغیبه نعمانی*، *کمال الدین* شیخ صدوق و *الغیبه* شیخ طوسی گرفته تا کتاب‌های شیخ مفید، سیدمرتضی و... که در تاریخ ماندگار شده‌اند. اما از منظر اهل سنت در این دوره تعداد ۶۸ کتاب تدوین شده که از این تعداد تنها کتاب‌های *اربعون حدیثاً فی المهدی*^۱ به تألیف ابونعیم اصفهانی و *السنن الواردة فی الفتن*^۲ به تألیف ابوعمر عثمان بن سعید و *مساله فی الغیبه*^۳ به تألیف قاضی عبدالجبار معتزلی از بین نرفته و قابل دسترسی است.

نتیجه‌گیری

مکتوبات این دوره اعم از شیعه و اهل سنت با نگرش آسیب‌شناسی و فرصت‌شناسی دارای ضعف‌ها و قوت‌هایی است که ضعف‌ها بیشتر در قالب شاخصه‌های منفی و قوت‌ها بیشتر در قالب شاخصه‌های مثبت نشانه‌گذاری می‌شود. ضعف‌هایی که مکتوبات مهدوی دچار آن بوده‌اند نظیر «حدیث محوری صرف»، «حدیث محوری بدون تحلیل» و «شبهه محوری بسیاری از مکتوبات مهدوی» و قوت‌هایی که آثار مهدوی در این دوره مزین به آن می‌باشند نظیر «رویکرد کلامی در آثار مهدوی»، «کار بست عناوین متنوع و مناسب برای آثار»، «استانداردسازی آثار از حیث ساختار»، «حجیم و فربه شدن آثار از حیث محتوا و متن» و «کثرت آثار ماندگار» است. پس بیان ضعف‌ها و قوت‌های

۱. از این کتاب نسخه‌ای در قم و نسخه دیگر در نجف اشرف موجود می‌باشد (علی اکبر مهدی پور، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ۷۵).

۲. در ریاض، انتشارات دارالعاصمه در تاریخ ۱۴۱۶ق به چاپ رسیده است.

۳. نسخه خطی از این کتاب در کتابخانه واتیکان موجود می‌باشد (مهدی فقیه ایمانی، اصالة المهدویة فی الاسلام، ۱۳۶؛ سید عبدالعزیز طباطبائی، اهل البیت فی المکتبه العربیه، ۳۳۰).

مکتوبات مهدوی، توجیه‌گرو وجود تفاوت‌های اساسی میان مکتوبات مهدوی در دوره اول با دور دوم است که این نتایج با نگرش تطبیقی و مقایسه‌ای میان مکتوبات دو دوره به دست می‌آید.

شایان ذکر است مکتوبات شیعه و اهل سنت از نظر شیوه و روشن تفاوت‌های ماهوی و اساسی دارند. مکتوبات شیعه در سیر تاریخی از نظر محتوا، عمیق‌تر و از نظر روش، روشمندتر شده است. در نگرش تاریخی به خوبی می‌توان این فراز و فرود را رصد کرده و عمیق‌تر شدن و روشمندتر شدن آنها را ملاحظه نمود. کتاب‌های مهدوی شیعه در قرن اول تا قرن سوم قمری به طور کلی بدون روش تنها با نقل روایات بدون هیچ‌گونه ساختار و اسلوبی تدوین شده است در قرن چهارم برخی کتاب‌های مهدوی به صورت روش نقلی همراه با تبیین‌های موردی تنظیم شده است. اما در قرن پنجم کتاب‌های مهدویت با تألیفات شیخ مفید و سیدمرتضی و شیخ طوسی رنگ کلامی - عقلی به خود گرفته و از نظر محتوا عمیق‌تر و از نظر اسلوب، دقیق‌تر شده است و هم‌چنین با به کارگیری روش‌های مختلف نقلی، تاریخی و عقلی، کتاب‌های مهدویت روشمندتر و کاربردی‌تر شده است. پس مکتوبات مهدوی شیعه در طول تاریخ روند صعودی را طی کرده و از نظر محتوا عمیق‌تر و از نظر روش، روشمندتر شده است. ولی مکتوبات اهل سنت در حوزه مهدویت روند صعودی را طی نکرده است زیرا مکتوبات دوره اول اهل سنت که متشکل از ۱۲ کتاب است همگی با نقل احادیث بدون روش و ساختار تنظیم شده‌اند نظیر *الفتن* ابن حماد، *الفتن* زکریا، *الفتن* سلیلی، *اخبار المهدی* رواجنی، *الملاحم* ابن منادی و... که به طور کلی از اسلوب و ساختار و انتظام خالی هستند تقریباً همین رویه با مختصر تفاوتی در ساختار و انتظام در دوره دوم که دارای ۶۸ کتب مهدویت است نیز دنبال شده ولی باز از نظر محتوا و روش از تعمیق متن و به کارگیری روش‌های عقلی و تاریخی خبری نیست. نظیر *الفتن* ابونعیم، *الاریعون* محمد بن عطار، *البیان* گنجی شافعی، *الاریعون* ابونعیم و... پس مکتوبات مهدوی اهل سنت از نظر محتوا و روش سیر صعودی را نپیموده است.

منابع

۱. ابن منظور، محمد (۱۴۱۶ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی / مؤسسة التاريخ العربی.
۲. اسفندیاری، محمد (۱۳۹۰ش)، *آسیب شناسی دینی*، قم، صحیفه خرد.
۳. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۴. انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
۵. ایجی، میرسید شریف الدین (۱۳۲۵ق)، *شرح المواقف*، قم، الشریف الرضی.
۶. حاج سیدجوادی، احمد صدر (۱۳۷۵ش)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران، نشر شهید سعید مجتبی، سوم.
۷. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۸ش)، *معارف و معارف*، تهران، مؤسسه فرهنگی آرائه.
۸. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۵)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران، نشر شهید سعید مجتبی، سوم.
۹. دهخدا، علی اکبر (بی تا)، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۲۲ق)، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسة الرساله.
۱۱. رازی، فخرالدین (۱۴۱۱ق)، *المحصل*، عمان، دارالرازی.
۱۲. رستمی، حیدر علی (۱۳۹۲ش)، *بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبه شیخ طوسی*، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۱۳. صادقی، مصطفی (۱۳۸۲ش)، «الفتن ابن حماد قدیمی ترین کتاب در مهدویت»، *آیین پژوهش*، ش ۸۴.
۱۴. صدوق، محمد (۱۳۸۲)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مسجد مقدس جمکران، دوم.
۱۵. طبسی، نجم الدین (بی تا)، «سیری در کتاب کمال الدین»، *مجله انتظار موعود*، ش ۷.
۱۶. طوسی، محمد (۱۴۲۵ق)، *الغیبه*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، دوم.
۱۷. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۹۲ش)، *مذهب ابن عربی*، قم، دلیل ما.
۱۸. علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۹ق)، *المقنع فی الغیبه*، تحقیق: محمد علی حکیم،

بیروت، مؤسسه آل البيت علیه السلام.

۱۹. فارابی، ابونصر (۱۹۹۶م)، *احصاء العلوم*، بیروت، مكتبة الهلال.
۲۰. فانی، کامران؛ سادات، محمد علی (۱۳۹۲ش)، *دانش نامه دانش گستر*، تهران، دانش گستر روز.
۲۱. فراهیدی، خلیل (۱۴۱۴ق)، *کتاب العین*، قم، اسوه.
۲۲. فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۲۰ق)، *اصاله المهدویه فی الاسلام*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۲۳. قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ششم.
۲۴. کلینی، محمد (۱۳۶۲ش)، *کافی*، تهران، اسلامی، دوم.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۸۶ش)، *التحقیق*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. معین، محمد (۱۳۶۴ش)، *لغت نامه*، تهران، امیرکبیر.
۲۷. مفید، محمد (۱۴۱۳ق)، *فصول العشره فی الغیبه*، تحقیق: فارس تبریزیان، قم، دارالمفید.
۲۸. مهدی پور، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، *کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام*، قم، مؤلف.
۲۹. نجاشی، احمد (۱۳۷۲ش)، *رجال*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۳۰. نعمانی، محمد (بی تا)، *الغیبه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مكتبة الصدوق.

